

حدیث آرزومندی، که در این نامه ثبت افتاد
همانا بی غلط باشد، که حافظ داد تلقینم
«حافظ»

این رند خفته شیراز کیست که در طول
عمر تقریبی هفتاد ساله اش آن گونه
زیست که نه نشانی از زندگی شخصی
خود بجای گذاشت و نه یادداشتی از خود و
نه برگی از خاطراتش، ولی امروز که پیش
از ۷۵۰ سال از مرگ او می گذرد، صدایش
را از پشت قرون و اعصار، رساتر از زمانه او
می شنویم. او که پس از مرگ، همچون
سمندری از درون خاکستر بپا خاست و رازهای
زمانه اش را با مشتاقانش در میان نهاد.

حافظ، برخلاف رسم متداول شاعران، حتی دیوان شعر خود را در زمان حیاتش
تنظیم نکرد. نمی دانیم که آیا همسر و فرزندی داشته است یا نه. زندگی و اشعارش
پر از رمز و راز است. برآستی این رند کیست که با اینکه در فقر، مسکنت، تنهایی و
بیماری درگذشت و با اینکه متشرعان و قشریون مذهبی بارها قصد تخریب آرامگاه
او و زدودن نامش را کردند ولی امروز بسیاری از فارسی زبانان از دیوان شعرش
فال می گیرند، او را کاشف راز می دانند و از او می خواهند تا تصویری از آینده شان
ترسیم کند و آرامگاهش را زیارتگه رندان جهان می خوانند.

بعد از مرگ حافظ، پیرامون زندگی اش افسانه ها ساخته شد و هر کس
اشعار او را از پشت عینک آرزوها، تجربیات و تعصبات خود تفسیر و تعبیر
نمود. تو گویی فراموش شد که شاعر در هر شعرش پیامی دارد و با استفاده
از مفاهیم نمادین سعی در انتقال آن پیام ها دارد. این موضوع نیز از تصادفات
و اتفاقات تاریخی است که تشابهات بسیاری را بین تاریخ معاصر ما و یکی از
دوران خاص زندگی حافظ وجود دارد که انعکاس آن را در بسیاری از غزلیات او

جدال حافظ با کوفه بینان و قشریون مذهبی

دکتر هیت اله باقی

تقدیم به محمد قوچانی، نویسنده و روزنامه نگار زندانی

می توان یافت.

در بین شاعران بزرگ ایران، زندگی و اشعار هیچ شاعری مانند خواجه
حافظ، مورد پژوهش قرار نگرفته است. بدیهی است که دلیل عمده این
پژوهش ها این است که گرچه غزلیات بدیع این شاعر در زمانه او ورد
زبان ها بود، ولی شاعر، در زمان حیاتش دیوان اشعار خود را تنظیم
نکرد و در واقع پس از مرگ او بود که دیوان اشعارش جمع آوری
شد و انتشار یافت. تقریباً بیست سال بعد از مرگ حافظ، دیوان
ناقصی از او با بیست غزل تنظیم شد و حدود صد سال بعد از
مرگش دیوان نسبتاً کاملی با ۴۹۵ از غزلیات او انتشار یافت.
شادروان دکتر خانلری برای جمع آوری و تدوین غزلیات حافظ
به ۱۴ نسخه مختلف دست یافت که با هم اختلاف زیادی
داشته اند و با مقایسه آن نسخه ها، دیوان حافظ خانلری
را تنظیم و منتشر ساخت. ولی بسیاری از پژوهشگران
حافظ شناس، معتبرترین دیوان حافظ را نسخه ای
می دانند که محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی جمع
آوری و منتشر کرده اند.

تصرف در اشعار حافظ بسیار فراوان است.
گویا بسیاری از خوشنویسان با تغییر بعضی
از کلمات، سعی داشته اند تا بعضی کلمات
شعر را به منظور زیبایی خط تغییر دهند و



گاهی نیز مفهوم شعر را با آرزوهای خودشان تطبیق می داده‌اند. هوشنگ ابتهاج -سایه- در مقدمه طولانی که بر «حافظ به سعی سایه» نوشته است، با دلایل و مدارک فراوانی نشان داده است که خود حافظ بنا بر مقتضای حوادث و وقایع زمانش، تغییراتی در اشعارش ایجاد کرده است. آنهایی که دوست دارند نسخه ای از کتاب حافظ را داشته باشند، به نظر من «حافظ به سعی سایه» با مقدمه عالمانه و توضیحات او در زیر هر غزل، بر سایر نسخه های موجود برتری دارد. آنهایی که با تکنولوژی بیشتر آشنا هستند، سی دی «لسان الغیب ۲» که شرح آن در بخش آخر مقاله آمده است، بسیار جامع و کامل است. راه آسانتر برای آنهایی که با کامپیوتر و اینترنت به خوبی آشنا هستند این است که نام «دیوان حافظ» را در گوگل تایپ کنند و غزل مورد علاقه خود را با شرح آن غزل بخوانند.

فرض این مقاله بر این است که کلمات و جملات وسیله ارتباط بین انسانهاست و ایجاد هر ارتباطی به زبان خاص خود نیاز دارد. و حافظ شاعر بزرگ ما برای کاربرد واژه هایش در قالبی موزون و قافیه دار، موضوع و مفهوم خاصی را در ذهن خود داشته که می خواسته است آن مفهوم را با زبان شعر به خواننده شعرش منتقل سازد. تصور نمی رود که شاعر می خواسته است با کلماتی موزون و زیبا اثری را ارائه دهد تا خواننده هر گونه که خواست از آن برداشت کند. به عنوان مثال، وقتی او از محتسب سخن می گوید، خوانندگان شعرش در زمانه او می دانستند که او اشاره به امیر محمد مظفری، حاکم متشرع و مستبد فارس دارد.

خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بغش

اینکه چرا حافظ در زمان حیاتش دیوان غزلیاتش را جمع آوری نکرد، علت عمده آن را می توان ترسی از متعصبان مذهبی و حاکمان قشری ذکر نمود

که سازش از این افسانه بی قانون نخواهد شد بسیاری از واژه هایی را که حافظ بکار می برد معانی گسترده ای دارند و نمی توان صرفاً با مراجعه به فرهنگ لغات، معانی آنها را دریافت. درک پیام این شاعر به کوشش، تلاش و پژوهش بسیاری نیاز دارد. حافظ از ترس محتسب، فقیهان و قشربون مذهبی، کلام و پیام خود را در پوششی از سمبل (نماد) و ابهام و کنایه بیان می کند و بدون تردید مخاطبان زمان شاعر با این سمبل ها آشنایی داشته و پیام او را درک می کرده اند.

من این خطوط نوشتم چنانکه غیر نداند
تو هم ز روی گرامت چنان بغوان که تو دانی

پیام اصلی این مقاله این است که برای درک و فهم معانی غزلیات پر از رمز و راز حافظ، ابتدا باید از تفسیر و تعبیر های شخصی و دلخواه از اشعار او خودداری نمود و سپس پژوهش هایی را که درباره تاریخ عصر این شاعر بزرگ موجود است، مطالعه کرد و ارتباط بسیاری از اشعار او را با حوادث و وقایع خاص تاریخی زمان او کشف کرد.

محدود بودن اطلاعات ما درباره زندگی شخصی شاعر

ال تولد حافظ حدود ۱۳۰۱ میلادی ثبت شده است و سال مرگ او را بطور دقیق

نمی دانیم ولی به طور تقریب سال ۱۳۷۲ میلادی است. حافظ در عمری حدود هفتاد سال چنان زندگی کرد که نمی توان زندگی واقعی او را ترسیم کرد. بسیاری از آنچه را که از احوال شخصی و فردی او می دانیم در واقع تفسیر و تعبیری از اشعار اوست. به عنوان مثال نمی دانیم که براستی آیا او همسر داشته است یا نه، ولی به استناد بیت زیر حدس زده اند که او همسر بلند بالایی داشته است:

مرا در خانه سروی هست کاندر سایه فدش
فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم

شاید این همان یار کمان ابروی او باشد که با مرگش، شاعر را در غم و حرمان رها کرد:

آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ
در لعمه ماه کمان ابروی من منزل گره

آیا این همان زنی نیست که بعدها در افسانه سازی های درباره حافظ، نام «شاخ نبات» بر خود گرفت! و آیا این همان زنی نیست که شاعر در روزگام پیری و بیماری بیاد او چنین می سراید:

به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید
که می رویم به داغ بلند بالایی

نمی دانیم که براستی حافظ فرزندی داشته است یا نه، ولی برخی از پژوهشگران حافظ با استناد به بیت زیر می نویسند که شاعر فرزندی داشته است که با مرگ خود، شاعر را سخت متاثر کرده است:

از آن زمان که ز پیشم برفت روه عزیز
کنار دامن من همچو روه جیغون است

(توضیح: رود در مصرع اول به معنی فرزند است)

صرفنظر از زندگی شاعر که در پرده ای از ابهام است، غزلیات او نیز پر از رمز و راز است و هرچه از عصر حافظ دورتر می شویم بر ابهام معانی و مفاهیم اشعار او افزوده می شود به طوری که هر کس اشعار او را

دوستی داشت رفت و ماجرا را برایش شرح داد و برای رهایی از این مهلکه از او یاری خواست. شیخ، به حافظ پیشنهاد کرد که از آنجایی که نقل کفر، کفر نیست قبل از این بیت، بیت دیگری درج کند تا آن بیت شعر را به صورت نقل قول در آورد که حافظ با سرودن بیتی دیگر خود را از این مهلکه رها کند و شعر بدین صورت در آمد:

این حدیثم چه خوشی آمد که سحر که می گفت
بر در میگذه ای با دف و نی ترسایی
گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فرهایی

حتی بعد از مرگ شاعر نیز کتبه بینهان و قشربون مذهبی خصومت خود را نسبت به او نشان دادند و چندین بار قصد تخریب آرامگاه او را داشتند، ولی گذشت زمان نشان داد که دیوان غزلیات او یکی از پرخواننده ترین کتب در بین فارسی زبانان است. در شرایط حاکم بر کشورمان، بعضی از هموطنان ما، بیت های زیر را از حافظ به حافظه سپرده اند و با زمزمه این ابیات، وضعیت پیرامونشان را در کوتاهترین جملات توصیف می کنند و گویی که حافظ، این ابیات را برای شرایط کنونی جامعه ما سروده است:

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محاسب
چون نیک بنگری همه تزویر می کنند

در میخانه بیستند خدایا میسند
که در خانه تزویر و ریا بکشایند

واعظان کاین جلوه در معراب و منبر می کنند
چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

فقیه مدرسه، هی مست بود و قنوا داد
که می حرام ولی به مال اوقاف است



که فتنه برنخیزد. ابیات زیر شاهدی بر این مدعاست که شاعر مورد آزار قرار گرفته است:

رقیب آزارها فرموده و جای آشتی نگذاشت
مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد

گر از این منزل غربت بسوی خانه روم
هگر آن جا که روم عاقل و فرزانه روم

با اشاره به بیت زیر از حافظ، بعضی از فقیهان زمان، به استناد اینکه حافظ به روز قیامت معتقد نیست و شک در روز قیامت کفر است، قصد تکفیر او را داشته اند:

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فرهایی

حافظ که سخت از این شایعه به وحشت افتاده بود به نزد یکی از شیوخ زمان بنام، «شیخ زین الدین ابوبکر» که با او رابطه

آن گونه که دوست دارد و برمذاقتش خوش می آید تفسیر می کند.

حافظ و ترس از کتبه بینهان و قشربون مذهبی

درباره اینکه چرا حافظ در زمان حیاتش دیوان غزلیاتش را جمع آوری نکرد، علت عمده آن را می توان ترس از متعصبان مذهبی و حاکمان قشری ذکر نمود. حافظ در یکی از اشفته ترین دوران های تاریخ کشور ما می زیسته است و بسیار مورد آزار حکومت های خود کامه و قشربون مذهبی زمانه اش قرار گرفته است. از این رو این شاعر سعی کرده است با بکار بردن زبانی نمادین (سمبلیک) و پر از ایهام پیام خود را به مردم زمانه اش برساند، به گونه ای

دانی که چنگ و هود چه تقریر می کنند
پنهان خورید باده که تعزیر می کنند

این بیت آخر نیز دلیل روشن دیگری است برای مشابهت شرایط کنونی جامعه ما با عصر حافظ در دوران حکومت امیرمحمد مظفری. نویسنده این مقاله، در دوران دانشجویی در ایران قبل از انقلاب، برای پیدا کردن معنی کلمه تعزیر (به معنی تادیب و مجازات فقهی) که کلمه چندان آشنایی به نظر نمی رسید، مجبور بودم به فرهنگ لغات مراجعه کنم. ولی امروز با وجود اداره ای بنام «اداره کل تعزیرات» در تهران، تصور نمی کنم هموطنان ما برای پیدا کردن معنی «تعزیر» در این شعر حافظ، نیازی به مراجعه به فرهنگ لغات داشته باشند و افرادی نیز معنی این واژه را با پوست و استخوان خویش احساس کرده اند.

اجازه بدهید در این جا به یکی از خصوصیت های دیرینه فقیهان نسبت به حافظ که در «وبلاگ» یکی از روزنامه نگاران داخل ایران بنام آقای محمد نوری زاد، در ماه سپتامبر همین سال، جنجالی در مطبوعات ایران بیا کرد، اشاره ای بکنم. این نویسنده که شهرتش به خاطر تهیه سریال ها و فیلم های مذهبی است، به خاطر اینکه به «حریم مرجعیت» توهین کرده، تحت تعقیب مقامات قضایی قرار گرفته است. آقای محمد نوری زاد در وبلاگ خود، با لحنی خیرخواهانه به انتقاداتش به روحانیت پرداخته است. او پروژه سانسور در وزارت ارشاد و از جمله تصرفات زیاد در دیوان حافظ را به خاطر درخواست و حساسیت روحانیت به این شاعر بزرگ معرفی کرده است. به نوشته محمد نوری زاد:

«متصدیان بیش از نیمی از اشعار حافظ

را به دلیل اهانت به ساحت شیخ و گربه زاهد و شخصی عابد و آقایان اهل فتوا و منبر و واعظین و ریاکاری و تزویر این جماعت هفت خط..... غیر چاپ دانسته و زیر بسیاری از اشعار استقنایی او را با قلم قرمز خط کشیده اند.»

لا بد مانند لغت نامه دهخدا که با تغییرات و تحریفات بسیار چاپ جدید آن به بازار آمده است، باید منتظر دیدن دیوان جدیدی از حافظ، با تحریفات وزارت ارشاد جمهوری اسلامی باشیم.

کلام آخر:

تو گویی این داستان تاریخ و فرهنگ و استبداد زده ماست که باز هم در دوران ما، خود را تکرار می کند. انگار حافظ در همین روزگار ما می زیسته است. قشربون مذهبی، از زنده یاد شاعر بزرگ معاصر، احمد شاملو، حتی بعد از مرگ، در هراسند و سنگ قبر ساده او را تاکنون چندین بار شکسته اند و امسال از برگزاری مراسم سالروز مرگ او جلوگیری کردند. اگر حافظ در زمانه پیدادگران پیرامونش سرود که:

دانی که چنگ و هود چه تقریر می کنند

پنهان خورید باده که تعزیر می کنند

گویند رمز عشق مگویند و شنوید

مشکل حکایتی است که تقریر می کنند

ناموس عشق و رونق عشاق می برند

منع جوان و سوزنش پیر می کنند

شاملو، شاعر روزگار ما شرایط پیرامونش

را چنین توصیف می کند:

دهانت را می بویند

مبادا که گفته باشی دوستت می دارم

دلت را می بویند

روزگار غریبی است، نازنین

و عشق را

کنار تیرک راهبند

نازبانه می زنتد

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد.

روزگار غریبی است، نازنین

آن که بر در می کوید، شباهنگام

به کشتن چراغ آمده است.

نور را در پستوی خانه نهان باید کرد.

آری هر سنگی که از فلاخن حاکمان

مستبد رها می شود، ابتدا به سوی شاعران و

نویسندگان آزاد اندیش و آزادیخواه جامعه

رها می شود. ولی تفاوت عمده ای که

عصر ما با زمان حافظ دارد این است

که با تحولات و پیشرفت های عصر

اینترنی و وجود هزاران «وبلاگ»،

اندیشمندان جامعه ما، همین امروز با

نوشته های خود، تاریخ عصر و روزگار ما

را به روشنی به ثبت می رسانند و صدای

اعتراضشان را به گوش انسان های آزاده

در سراسر جهان می رسانند.

دکتر هبیت اله باقی:

hbaghi@gmu.edu

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه

نمایید:

۱- تاریخ عصر حافظ - دکتر قاسم غنی - ۱۳۸۰، تهران- انتشارات زوار

۲- فرهنگ اشعار حافظ - احمد رجایی - ۱۳۷۶، تهران- انتشارات علمی

۳- از کوچه زندان، دکتر زرین کوب - ۱۳۸۱ - تهران- انتشارات سخن

۴- حافظ نامه (دوجلد) - بها الدین خرمشاهی - ۱۳۶۸- تهران- انتشارات سروش

۵- حافظ به سمی سایه - هوشنگ ابتهاج، سایه- ۱۳۷۳- تهران - انتشارات هوش و ابتکار

۶- عرفان و رندی در شعر حافظ - داریوش آشوری - ۱۳۸۲- تهران- نشر مرکز

۷- لسان الغیب حافظ ۲، (سی دی). بر اساس نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی،

قرائت کلیه غزل ها توسط علی موسوی گرما رودی، مقدمه با صدای خرمشاهی، ترجمه انگلیسی از هنری کلارک. شامل واژه نامه دیوان حافظ، به

همراه آواز تعدادی از غزلیات.